

## پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران و پدران کودکان دچار درخودماندگی با ویژگی‌های شخصیتی

### The prediction of marital satisfaction of parents with autistic children, based on their personality characteristics

Sheyda Amirafshari

Qolamali Afrooz

seyed mohsen Asqari

Baqer Qobari Bonab

شیدا امیر افشاری \*

غلامعلی افروز \*\*

سید محسن اصغری نکاح \*\*\*

باقر غباری بناب \*\*\*\*

#### Abstract

The difficulty and the stress resulted from caregiving of children with autism, based on caregiver' personality characteristics, had an impact on interpersonal relationships. Therefore, current study administrated with the aim of the prediction of marital satisfaction of parent with autistic children by their personality characteristics. The present study was descriptive study by using correlation method. The statistical population consisted of all parents of autistic students of pre-elementary and elementary exceptional schools of Mashhad city in academic year of 2013-2014. By applying Cochran formula and convenient sampling method, 95 couples among parents of these children selected as a sampling study. The data were gathered using Afrooz' couple satisfaction questionnaire and Neo five factors questionnaire. The data analyzing were done by regression test. The results indicated that personal characteristics could predict mother' marital satisfaction with the determination coefficient of 0.29 and in level of 0.01 and father' marital satisfaction with the determination coefficient of 0.26 and in level of 0.01. Corresponding to the power of the prediction of marital satisfaction based on personality characteristics of parents with autistic children, it is recommended to family counselors and therapist to consider the role of personality characteristics whenever working with them.

#### چکیده

دشواری و فشار روانی برآمده از مراقبت کودکان دچار درخودماندگی، بسته به عوامل شخصیتی مراقب، در رابطه میان فردی او اثر می‌گذارد. از این رو پژوهش با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران و پدران کودکان دچار درخودماندگی با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها به انجام رسیده است. پژوهش توصیفی است و با بکار بستن روش همبستگی انجام داده شد. جامعه آماری آن دربرگیرنده همه مادران و پدران دارای کودکان دانش‌آموز مقطع پیش‌دبستان و دبستان دچار درخودماندگی در مدارس استثنایی شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ بوده است. با به‌کارگیری فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری گبری در دسترس تعداد ۹۵ زوج از میان پدر و مادر این کودکان به‌عنوان نمونه پژوهش گزینش شدند. داده‌ها با ابزارهای سنج رضایت‌مندی زوجین افروز و پرسشنامه پنج عاملی نئو گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آزمون رگرسیون به انجام رسید. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند با ضریب تعیین ۰/۲۹ در سطح ۰/۰۱ رضایت زناشویی مادران و با ضریب تعیین ۰/۲۶ در سطح ۰/۰۱ رضایت زناشویی پدران را پیش‌بینی کنند. با توجه به توان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر پایه ویژگی‌های شخصیتی مادران و پدران دارای کودکان دچار درخودماندگی به مشاورین و درمانگران خانواده پیشنهاد می‌گردد در کار با مادران و پدران آن‌ها به نقش ویژگی‌های شخصیتی توجه داشته باشند.

**Key words:** autism, marital satisfaction, personality characteristics

**واژگان کلیدی:** درخودماندگی، رضایت زناشویی، ویژگی‌های

شخصیتی

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، استاد ممتاز دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)  
afrooz@ut.ac.ir

\*\*\* دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\*\*\* دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

## مقدمه

خانواده یک نظام اجتماعی است که اختلال هر یک از اعضای آن، دشواری‌هایی را در سامان‌یافتگی آن ایجاد می‌کند. یکی از عوامل مؤثر در نظام خانواده معلولیت فرزندان است. معلولیت فرزند در خانواده مانع از آن می‌شود که خانواده بتواند، کارکردهای متعارف خود را داشته باشد. در دهه‌های اخیر حمایت از خانواده‌هایی که کودک استثنایی دارند، ارج ویژه‌ای پیدا کرده، چراکه حمایت از این خانواده‌ها روی خانواده و کودک پیامدهای مثبتی داشته است (دمپسی، کین، پنیل، ریلی و نیلندز، ۲۰۱۴).

اختلال‌های گسترده درخودماندگی یا اختلال‌های فراگیر تحولی با آسیب شدید و فراگیر در زمینه‌های گوناگون تحولی مانند نابسامانی در مهارت‌های همکنش اجتماعی رودررو و مهارت‌های ارتباطی و یا وجود رفتار و علایق و کُنشگری‌های کلیشه‌ای بازشناخته می‌شود و اختلال‌های رت، درخودماندگی ازهم‌پاشیدگی کودکی، اسپرگر و اختلال فراگیر تحولی را که به گونه دیگر روشن نشده را در برمی‌گیرد (انجمن روان‌پزشکی امریکا، ترجمه نیک‌خو و آوادیس، یانس، ۱۳۸۱)

تأثیر کودک استثنایی بر خانواده و روابط رودررو آنها، سال‌ها است که مورد توجه کارآزمودگان این رشته بوده است وجود یک کودک استثنایی در یک خانواده دشواری‌هایی از جمله فشار روانی، برتأییدن بار سنگین اقتصادی، برپایی اختلافات زناشویی، نبود رسیدگی به نیازهای شخصی را می‌تواند برای خانواده به همراه داشته باشد. در میان کودکان استثنایی، کودکان دچار درخودماندگی، جایگاه درخور توجهی دارند، ازاین‌رو آسیب‌شناسی، تشخیص سریع و درمان این کودکان بسیار باارزش است (افروز، ۱۳۹۲).

پژوهش‌ها نشان داده است که خانواده‌های کودکان درخودماندگی بیشتر از خانواده‌های کودکان کم‌توان ذهنی و سندرم داون تنیدگی داشته و با آن درگیر هستند (کری، کالنان و راسل، ۲۰۱۴). داشتن کودکان دچار اختلال درخودماندگی مایه افسردگی، نگرانی، تنیدگی، شرمندگی و شرمساری پدرومادر آنها می‌شود و پژوهش‌ها نشان داده که در مواردی مایه تأثیر

منفی روابط زناشویی نیز شده است، چراکه برانگیزنده کشمکش بیشتر میان زن و شوهر درباره کودک دچار درخودماندگی، درمان، مراقبت از او و سرانجام فاصله بیشتر میان آنها می‌شود (هوبرت و اسمیت، ۲۰۱۴).

کودکان درخودمانده اغلب به‌عنوان کودکان آرام اشتباه گرفته می‌شوند چراکه این کودکان توقعات فراوانی از پدرومادر خود نشان نمی‌دهند. اختلال آنها معمولاً تا پیش از ۳ سالگی تشخیص داده می‌شوند، ولی با بررسی دقیق رفتار، کودک می‌توان سن تشخیص را به زیر ۲ سال، کاهش داد (تانژ و گری، ۲۰۱۰) در جریان تشخیص این اختلال‌ها، فشارهای روانی فزاینده می‌ای بر پدرومادر وارد می‌شوند که می‌تواند به واکنش‌هایی مانند ضربه‌روانی، ناامیدی، خشم، افسردگی و غیره کشیده شود. برای بیشتر خانواده‌ها این تشخیص تکان‌دهنده و غیرمنتظره است؛ به‌طوری‌که برخی پدرومادها با رد تشخیص و انجام آزمایش‌ها و بررسی‌های دیگر، وجود اختلال در کودک خود را انکار می‌کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که پدرومادر کودکان دچار اختلال‌های گسترده درخودماندگی بیش از پدرومادر کودکان دچار اختلال‌های روان‌شناختی دیگر، دستخوش فشارهای روانی برآمده از داشتن کودک ناتوان می‌گردند (دور و هورویز، ۲۰۱۲). این فشارها می‌تواند برخاسته از مشکلات ناسازگاری و رفتارهای ضداجتماعی، خود آسیب‌رسانی، حرکات کلیشه‌ای و یا فشارهای روانی برآمده از دشواری در برپایی ارتباط اجتماعی و نیز دشواری‌های مربوط به حضور در موقعیت‌های اجتماعی با شرایط خاص بدنی کودک و یا هزینه‌های فراوان خدمات آموزشی و درمانی باشد (انجمن درخودماندگی آمریکا، ۲۰۰۳؛ به نقل از فاکو و همکاران، ۲۰۱۳).

پژوهشگران بر این باورند که عوامل تعدیل‌کننده‌ای میان فشارهای روانی پدرومادر و اختلال در کودک وجود دارد. وجود برخی ویژگی‌های می‌تواند مقاومت درونی، در برابر فشارهای روانی را در پدرومادر افزایش دهد و از بروز پیامدهای آن و بیماری جلوگیری کند (نشاط فیض، طاهر نشاط دوست و نائلی، ۱۳۸۰) برای نمونه، نوع شخصیت و مزاج، تجارب گذشته، نیازها، نگرش‌های برخی

ویژگی‌های شخصیتی افراد احتمالاً می‌توانند فرد را آماده پذیرش فشارهای روانی بیشتر سازد. (لائو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) با توجه به موارد اخیر یکی از پُرسمان‌هایی که در ارتباط با کودکان دچار درخودماندگی دارای اهمیت بوده و مایه تشدید مشکلات این افراد خواهد شد رابطه آن‌ها با پدرومادر است. بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از پدرومادر کودکان دچار درخودماندگی دچار مشکلات روان‌شناختی عمده‌ای می‌شوند (کلثائو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). شواهد مبین آن است که وجود کودک دچار درخودماندگی حتی به‌مرور می‌تواند اختلافات زناشویی را افزایش داده و مایه کاهش رضایت زناشویی زوجین گردد (گائو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲؛ شاتیرمن و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳؛ چیوو همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴؛ ساینی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). با این حال به نظر می‌رسد در تعداد زیادی از خانواده‌ها نیز این مسئله وجود نداشته و علی‌رغم داشتن کودک با اختلالات و بیماری‌های مزمن لیکن خانواده همچنان دارای ثبات عمده‌ای است. به نظر می‌رسد برخی از عوامل زیربنایی بین پدرومادر در برخورد و تعامل با فرزندان وجود دارد که مایه می‌شود آن‌ها واکنش متفاوتی نسبت به بیماری فرزند خود نشان دهند. یکی از این ویژگی‌های مهم که به نظر می‌رسد بیشترین نفوذ را بر رفتار افراد داشته و می‌تواند رضایت زناشویی افراد را در موقعیت‌های مختلف تحت تأثیر قرار دهد ویژگی‌های شخصیتی افراد است (بویس و همکاران، ۲۰۱۶). به اعتقاد کاستا و مک کری (۱۹۸۵) ویژگی‌های شخصیتی را می‌توان به‌عنوان توجیهی برای بسیاری از رفتارها و ویژگی‌های انسان در نظر گرفت. به گفته زیکار (۲۰۰۶) به‌طور کلی تمامی تفاوت‌های فردی را می‌توان بر پایه ویژگی‌های شخصیتی افراد صورت‌بندی کرد.

- 
1. Lau
  2. Kuhlthau
  3. Gau et all
  4. Shaterman et all
  5. Chiu et all
  6. Saieni et all

کارنی و برادبری<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) بر این باورند که رگه‌های شخصیتی همچون ناپایداری احساسی یا روان آزرده خویی، آسیب‌پذیری‌های همیشگی را به دنبال دارند که در چگونگی سازش یافتگی زوجین یا تجربه‌های پرتنش تأثیر می‌گذارند و بدین‌سان، سراسر رضایت رابطه را زیر تأثیر قرار خواهند داد. همچنین یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ازدواج‌هایی از پایداری و سلامت برخوردارند که هنگام آغاز زندگی مشترک، ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها همسان باشند (ویلسون و همکاران، ۲۰۰۷). با توجه به موارد بیان‌شده ویژگی‌های شخصیتی افراد بر روابط زوجین اثرگذار است. با این حال این گفته‌ها نیازمند شواهد نظری و پژوهشی فراوانی است که بتوان بر پایه آن مدلی را در رابطه با متغیرهای یادشده ارائه نمود. در این پژوهش کوشش شده است تا با ارائه یک مدل نظری منسجم به پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران و پدران کودکان دچار درخودماندگی با ویژگی‌های شخصیتی آنان پرداخته شود.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. آزمودنی‌ها به صورت در دسترس گزینش شدند، متغیر پیش‌بین یا همان مستقل در این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی و متغیر ملاک یا وابسته رضایت زناشویی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را همه والدین دانش‌آموزان دچار درخودماندگی مقطع پیش‌دبستان و دبستان در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ شهر مشهد تشکیل داد؛ که از این میان با به کارگیری فرمول نمونه‌گیری کوکران، شمار ۹۵ نفر از پدر و مادر کودکان دچار درخودماندگی مدارس استثنایی سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر مشهد با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و به صورت در دسترس گزینش شدند.

معیارهای ورود دربرگیرنده نداشتن اختلال بدنی یا روان‌پزشکی پدر و مادر، محدوده سنی پدر و مادر ۲۰ تا ۴۰ سال، نداشتن مشکل بدنی و روانی برجسته برای کودکان، نبود پیشامد بزرگ تنش‌زا در ۶ ماه اخیر و حداقل تحصیلات سواد خواندن و نوشتن پدر و مادر بود.

<sup>1</sup>. Karni & Beriberi

برای پیش روگیری ملاحظات اخلاقی به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند.

## ابزار پژوهش

سنجه رضایت زوجین/افروز<sup>۱</sup> در پژوهش حاضر برای سنجش رضایت زناشویی والدین از پرسشنامه رضایت زوجیت افروز به‌کاربرده شد. این سنجه یک ابزار سنجش برای بررسی رضایت‌مندی زناشویی است که به دست افروز در سال ۱۳۸۹ تدوین شده است و در پژوهشی که قدرتی (۱۳۸۸) با نام بررسی تحلیلی رابطه خلاقیت با رضایت زناشویی در والدین دانش‌آموزان تیزهوش شاغل در مدارس سمپاد، غیرانتفاعی و عادی شهر تهران انجام داد، روایی فرم کوتاه یادشده را نیز با پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی انریچ برآورد کرد که در سطح معنی‌داری (۰/۰۱) و با ۰/۹۹ اطمینان، همبستگی ۰/۴۳ را به دست آورد. همچنین ضریب اعتبار با استفاده از آلفای کرون باخ برای فرم کوتاه ۰/۹۵ بود که نشان‌دهنده اعتبار بسیار مطلوب پرسشنامه رضایت زوجین افروز است. این پرسشنامه دارای ۱۱۰ پرسش است که در مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق تهیه شده است. این سنجه ۱۰ عامل را مورد بررسی قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱. مطلوب اندیشی همسران (۱۴ پرسش): مجموع پرسش‌های ۱، ۲، ۷، ۲۵، ۳۵، ۸۵، ۸۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵؛ رضایت زناشویی (۱۱ پرسش): ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۲۳، ۲۶، ۶۴، ۸۱، ۹۰، ۹۹؛ رفتارهای شخصی (۲۱ پرسش): ۲، ۵، ۶، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۶، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۷۶؛ رفتارهای ارتباطی و اجتماعی (۱۲ پرسش): ۱۶، ۳۱، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷؛ روش حل مسئله (۸ پرسش): ۱۵، ۲۴، ۲۸، ۴۲، ۷۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰؛ امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی (۹ پرسش): ۳۹، ۴۰، ۴۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۸؛ احساسات و رفتار مذهبی (۸ پرسش): ۳۰، ۴۴، ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۸۰؛ روش فرزند پروری (۹ پرسش): ۴۳، ۸۲

<sup>۱</sup>. Afroz Marital Satisfaction Scale

۸۳، ۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۹۷؛ اوقات فراغت (۱۰ پرسش): ۴، ۲۰، ۲۷، ۳۲، ۳۶، ۴۸، ۵۴، ۶۲، ۷۵، ۹۴ و نحوه تعامل (کلامی، بصری، حرکتی، رفتاری) (۱۴ پرسش): ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۹۳، ۱۰۶. شیوه نمره گذاری پرسشنامه به گونه‌ای است که ماده‌های پرسشنامه، چهارگزینه‌ای و در طیف لیکرت که به صورت کاملاً موافق = ۳، موافق = ۲، مخالف = ۱، کاملاً مخالف = ۰، نمره گذاری می‌شود. مجموع نمره‌های ۱۱۰ پرسش نمره کلی محسوب می‌شود و به روش زیر تفسیر می‌شود: نمره تراز بالای ۵۵ بسیار خوب، ۴۴ تا ۴۵ متوسط، ۳۴ تا ۴۳ قابل تحمل، ۲۴ تا ۳۳ ناخوشایند و کمتر از ۲۴ غیرقابل تحمل است. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرون باخ در این پژوهش ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه شخصیتی<sup>۱</sup>. این پرسشنامه که فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده پنج عامل بزرگ شخصیت است، از ۶۰ گویه بر اساس سنج لیکرت تهیه شده است و پنج عامل بزرگ شخصیت (برون گردی (۲ و ۷ و ۱۲ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۷ و ۵۲ و ۵۷)، انعطاف پذیری (۴ و ۹ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۴ و ۴۹ و ۵۴ و ۵۹)، وظیفه شناسی (۵ و ۱۰ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۰ و ۴۵ و ۵۰ و ۵۵ و ۶۰)، روان آزاده خوئی (۱ و ۶ و ۱۱ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۶ و ۴۱ و ۴۶ و ۵۱ و ۵۶) و تجربه پذیری (۳ و ۸ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۳ و ۳۸ و ۴۳ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۸) را اندازه می‌گیرد. در پژوهش کاستا و مک کری (۱۹۹۲) ویژگی‌های روان‌سنجی رضایت بخشی برای این پرسشنامه گزارش شده است. کیا مهر (۱۳۸۱) در پژوهشی ضریب همبستگی حاصل از روایی هم‌زمان میان فرم بلند و کوتاه این پرسشنامه را بین ۰/۴۱ و ۰/۷۵ گزارش کرده است. در پژوهش کیا مهر (۱۳۸۱) ضریب همبستگی میان دو اجرای آزمون بین ۰/۶۵ و ۰/۸۶ بود. در هنجاریابی پرسشنامه NEO که توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرون باخ

<sup>۱</sup>. NEO-Five Factor Inventory

در هر یک از عوامل اصلی روان آزرده‌خوئی، برون‌گردی، بازبودن، سازگاری و باوجدانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده‌گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گردی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بود. (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در پژوهش آتش‌روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرون‌باخ برای هر یک از ۵ صفت: روان آزرده‌خوئی، برون‌گردی، گشودگی، سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ به دست آمد. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرون‌باخ در این پژوهش ۰/۹۱ به دست آمد.

### روش اجرای پژوهش

نخست پرسشنامه‌های موردنیاز آماده شد و با مراجعه به سازمان آموزش و پرورش و کسب مجوزهای لازم و هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده کار جمع‌آوری داده‌ها آغاز گشت. بدین‌صورت که نخست با مراجعه به مدارس استثنایی ویژه کودکان دچار درخودمانده و باهماهنگی مسئولان مدرسه دعوت‌نامه‌هایی جهت والدین به‌منظور شرکت در نشست در روزهای مختلف ارسال گردید. والدین در روز و ساعت مقرر در نشست حاضر شدند. در ابتدای نشست هدف از اجرای آزمون برای ایشان شرح داده شد و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع گردید و با راهنمایی آزماینده تکمیل شد و پس از آن برای اطمینان از نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و رفع نقایص مصاحبه بالینی نیز انجام شد. برای والدین کودکان بیش‌فعال که به مراکز مشاوره شهر مشهد مراجعه می‌نمودند نیز همین مراحل اجرا گردید. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از فرمول‌های میانگین و انحراف استاندارد و همچنین تحلیل رگرسیون و با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شدند.

### یافته‌ها

در جدول شماره ۱ آماره‌های توصیفی متغیر تحصیلات والدین به تفکیک نشان داده شده است.



## جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیر تحصیلات والدین

درصد	فراوانی	تحصیلات	
۴۳/۸	۵۳	کمتر از ۱۱ سال	پدران کودکان بیش فعال
۲۸/۹	۳۵	دبیرستان	
۲/۵	۳	دانشجو	
۳/۳	۴	فوق دیپلم	
۱۰/۷	۱۱	لیسانس	
۲/۵	۳	فوق لیسانس	
۳۸/۸	۴۷	کمتر از ۱۱ سال	مادران کودکان بیش فعال
۳۳/۱	۴۰	دبیرستان	
۲/۵	۳	دانشجو	
۶/۶	۸	فوق دیپلم	
۱۰/۷	۱۳	لیسانس	پدر در خودمانده
۱/۷	۲	فوق لیسانس	
۲۵/۳	۲۴	کمتر از ۱۱ سال	
۲۵/۳	۲۴	دبیرستان	مادر در خودمانده
۴/۲	۴	دانشجو	
۵/۳	۵	فوق دیپلم	
۱۸/۹	۱۸	لیسانس	
۴/۲	۴	فوق لیسانس	
۸/۴	۸	دانش آموز	مادر در خودمانده
۲۰/۰	۱۹	کمتر از ۱۱ سال	
۳۱/۶	۳۰	دبیرستان	
۱/۱	۱	دانشجو	
۹/۵	۹	فوق دیپلم	
۲۱/۱	۲۰	لیسانس	
۴/۲	۴	فوق لیسانس	

یافته‌های مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی تحصیلی، کمتر از ۱۱ سال تحصیل، فوق لیسانس، دبیرستان و دبیرستان به ترتیب در پدران و مادران کودکان بیش فعال و پدران و مادران کودکان در خودمانده بوده است.

در جدول شماره ۲ آماره‌های توصیفی متغیر جنسیت کودک در کودکان گروه بیش فعال نشان داده شده است.

## جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیر جنسیت کودک در کودکان بیش‌فعال و درخودمانده

گروه	فراوانی	درصد
بیش‌فعال	دختر	۵۹
	پسر	۳۲
درخودمانده	دختر	۴۷
	پسر	۱۳

یافته‌های مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که ۴۸ درصد پسر و ۲۶ درصد دختر بوده‌اند و در گروه درخودمانده ۴۹ درصد پسر و ۱۳ درصد دختر بوده‌اند.

در جدول شماره ۳ میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و رضایت‌مندی زوجین نشان داده شده است.

## جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

مادران کودکان دچار درخودماندگی		پدران کودکان دچار درخودماندگی		
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۲۴/۷۰	۷/۲۴	۲۴/۲۵	۷/۶۲	مطلوب اندیشی
۲۲/۲۷	۶/۲۰	۲۲/۲۷	۶/۲۰	رضایت زناشویی
۴۱/۰۱	۱۰/۳۸	۳۷/۴۸	۱۱/۲۷	رفتارهای شخصی
۲۲/۸۵	۶/۹۳	۲۱/۵۳	۷/۳۰	رفتارهای ارتباطی و اجتماعی
۱۵/۹۳	۴/۰۸	۱۴/۵۹	۴/۴۱	روش حل مسئله
۱۶/۲۷	۴/۸۷	۱۵/۰۵	۵/۰۸	امور مالی و فعالیتهای اقتصادی
۱۴/۷۵	۴/۴۲	۱۴/۰۷	۴/۸۴	احساس و رفتار مذهبی
۱۷/۴۰	۵/۳۱	۱۶/۳۶	۵/۶۰	روش فرزند پروری
۱۹/۸۲	۵/۳۳	۱۶/۰۶	۵/۰۹	اوقات فراغت
۲۹/۲۷	۸/۱۴	۲۵/۷۸	۸/۱۱	تعامل احساسی
۲۷/۰۶	۵/۶۷	۲۵/۸۴	۷/۶۶	روان آزردهی
۲۵/۲۴	۵/۰۶	۲۵/۲۴	۵/۰۶	برون‌گردی
۲۷/۶۷	۵/۲۲	۲۷/۶۰	۵/۵۵	گشودگی به تجارب
۲۹/۵۲	۴/۷۶	۳۰/۸۹	۴/۳۵	موافقت
۳۳/۳۶	۴/۷۸	۳۳/۴۳	۳/۹۲	باوجدان بودن

به منظور پیش‌بین و تعیین سهم متغیرهای پیش‌بین در متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ گزارش شده است.

#### جدول ۴. آماره‌های آزمون رگرسیون

مدل‌ها	مجذور R سازگار شده	مجذور R	R	سطح معنی‌داری
مدل ۱- پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران	۰/۱۵	۰/۲۹	۰/۵۳	۰/۰۰۱
مدل ۲- پیش‌بینی رضایت زناشویی پدران	۰/۰۳	۰/۲۶	۰/۰۸	۰/۰۰۱

نتایج مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی قادرند با ضریب بتای ۰/۵۳ رضایت زناشویی مادران را به شکل معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۱ پیش‌بینی کنند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی قادرند با ضریب بتای ۰/۰۸ رضایت زناشویی پدران را به شکل معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۱ پیش‌بینی کنند.

#### جدول ۵. آماره‌های آزمون رگرسیون

L	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۵۷۲۱۸/۲۴	۱۰	۵۷۲۱/۸۲	۲/۰۸۷	۰/۰۰۱
مدل ۱ باقیمانده	۱۳۹۸۲۸/۵۹	۵۱	۲۷۴۱/۷۳		
کل	۱۹۷۰۴۶/۸۳	۶۱			
رگرسیون	۴۸۶۴۱/۵۹	۱۰	۴۸۶۴/۱۵	۱/۲۴	۰/۰۲۸
مدل ۲ باقیمانده	۱۹۱۶۹۳/۷۴	۴۹	۳۹۱۲/۱۱		
کل	۲۴۰۳۳۵/۳۳	۵۹			

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که نتایج برآورد مدل پیش‌بینی رضایت زناشویی پدر و مادر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار با  $F=2/08$  معنی‌دار است.

برای تعیین ضرایب پیش‌بینی از تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

### جدول ۶. آماره‌های آزمون ضرایب رگرسیونی مدل اول به‌منظور پیش‌بین رضایت زناشویی

مدل‌ها	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معنی‌داری
	B	خطا Std	Beta	t	
مدل ۱	۰/۱۷	۱/۳۵	۰/۰۱	۰/۱۳	۰/۸۹
	۰/۵۱	۱/۵۴	-۰/۰۴	-۰/۳۳	۰/۷۳
	۰/۳۳	۱/۷۳	۰/۰۲	۰/۱۹	۰/۸۵
	۰/۴۰	۲/۳۲	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۸۶
	-۰/۸۶	۱/۹۲	-۰/۰۶	-۰/۴۴	۰/۶۵
	۱/۰۰	۱/۰۸	۰/۱۴	۰/۹۲	۰/۳۵
	-۰/۳۲	۱/۱۳	-۰/۰۳	۰/۲۸	۰/۷۷
	۰/۲۶	۱/۴۵	۰/۰۲	۰/۱۸	۰/۸۵
	۳/۱۷	۱/۷۶	۰/۲۴	۱/۷۹	۰/۰۷
	-۵/۶۲	۱/۹۳	-۰/۳۸	-۲/۹۰	۰/۰۱
مدل ۲	۰/۹۶	۱/۶۲	۰/۰۹	۰/۵۹	۰/۵۵
	-۰/۶۰	۱/۸۴	-۰/۰۵	-۰/۳۲	۰/۷۴
	۱/۹۷	۲/۱۴	۰/۱۵	۰/۹۱	۰/۳۶
	۰/۸۱	۲/۸۵	۰/۰۴	۰/۲۸	۰/۷۷
	۰/۰۲	۲/۳۸	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۹۹
	-۰/۰۴	۱/۳۹	-۰/۰۰	-۰/۰۳	۰/۹۷
	۰/۳۰	۱/۳۵	۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۸۲
	-۰/۲۴	۱/۷۴	-۰/۰۲	-۰/۱۴	۰/۸۸
	۳/۸۷	۲/۱۸	۰/۲۵	۱/۷۷	۰/۰۸
	-۴/۱۱	۲/۳۴	۰/۲۵	-۱/۷۵	۰/۰۸

آماره‌های آزمون ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که مؤلفه باوجدان بودن با ضریب بتای ۰/۲۵ و موافقت پدر با ضریب ۰/۲۵ در پدران می‌تواند به‌صورت معنی‌داری در سطح ۰/۰۱، رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران و پدران کودکان دچار درخودماندگی با ویژگی‌های شخصیتی آنان بود. بر پایه یافته‌های پژوهش ویژگی‌های شخصیتی در پدر و مادر کودکان دچار درخودماندگی به‌طور معنی‌داری رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی

می‌کند. برآمدهای پژوهش نشان داد که مؤلفه باوجدان بودن در پدران کودکان دچار درخودماندگی می‌تواند به صورت معنی‌داری، رضایت زناشویی مادران این کودکان را پیش‌بینی کند؛ و هیچ ویژگی شخصیتی پدرومادر کودکان دچار درخودماندگی نمی‌تواند به صورت معنی‌داری، رضایت زناشویی پدران این کودکان را پیش‌بینی کند. همان‌طور که پیدا است باوجدان بودن پدر می‌تواند رضامندی زناشویی مادر را پیش‌بینی نمایند. این برآمدها با یافته‌های نصیحت‌کن (۱۳۸۹)، آلن و همکاران (۲۰۱۶) و گرای (۲۰۱۰) همخوان است.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت، از آنجایی که مادران در سنجش با پدران از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و با به دنیا آمدن کودکی با برچسب درخودماندگی در معرض تنیدگی بیشتری قرار دارند و همچنین با افزایش تراز نگرش‌های منفی نسبت به خود، دیگران و آینده و دور شدن از لذات، آرزوها و تکاپوهای رایج اجتماعی، آن‌ها را هر چه بیشتر آسیب‌پذیر نموده، سرانجام همه این عوامل روابط عاطفی باهمسر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و بر آیند اینکه رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. وجود این کودکان مایه محدود شدن تعاملات و کنشگری‌های اجتماعی خانواده می‌شود و بر روابط میان فردی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بر شغل مادر تأثیر منفی دارد، زیرا مایه عدم پیشرفت در کار به دلیل وقت و انرژی کم می‌شود و در مواردی انگیزه رها کردن کار توسط مادر به دلیل مسؤلیت‌های فراوان در خانه که برای مراقبت از فرزند درخودماندگی افزایش می‌یابد، می‌گردد. در این خانواده‌ها زندگی حول کودک درخودماندگی می‌چرخد (رایینز و همکاران، ۲۰۰۰).

همان‌طور که نمایان است در این پژوهش از میان ویژگی‌های شخصیتی تنها دو مؤلفه باوجدان بودن و گشودگی تجارب می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. تأثیر دو مؤلفه یادشده بر رضایت زناشویی بی‌کم‌وکاست با ماهیت این ویژگی‌های شخصیتی هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که چرا می‌تواند رضایت زناشویی را به‌خوبی پیش‌بینی نماید. درباره تأثیر ویژگی وظیفه‌شناسی بر رضایت زوجین با توجه به ماهیت این مؤلفه می‌توان آن را امری قابل‌تصور دانست. می‌توان بازگو کرد که مردم وظیفه‌شناس به‌گونه‌ای هستند که در آن‌ها رفتاری به‌جز تعهد و عمل به وظایف زناشویی انتظار نمی‌رود. وظیفه‌شناسی، قدرت مهار تکانه‌ها به‌نحوی که جامعه آن را پسندیده

می‌داند، اندیشیدن پیش از کنش، به تأخیر اندازی ارضاء خواسته‌ها، پیش‌روگیری قوانین و هنجارها را تشکیل می‌دهند (باویک و هانت، ۱۹۹۸؛ به نقل از حق‌شناسی، ۱۳۸۵).

جارویس<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقد است مردم وظیفه‌شناس، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود کوشش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند. در این راستا کوردک<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) معتقد است، وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی باعث می‌شود فرد وجدان‌گرایی بیشتر داشته باشد و از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری و تکان‌های خود را مهار کند. هارت، داتون و نیولاو<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) در پژوهشی به این برآمد رسیدند که مردانی که وظیفه‌شناسی کمتری دارند به تنش‌های زناشویی از راه روی آوردن به الکل و پرخاشگری بدنی واکنش نشان می‌دهند. در واقع فرد وظیفه‌شناس احساس تعهدی درونی به منظور رعایت الزامات در چارچوب روابط زناشویی دارد (کاستا و مک کری، ۱۹۸۰). بنابراین فردی که وظیفه‌شناسی بالایی داشته و احساس مسئولیت و تعهد همه‌جانبه به امورات محوله دارد، در روابط زناشویی نیز در چارچوب زندگی باهمسر خود به قواعد و ارزش‌ها وفادار بوده و اعتقاد و عمل به آن‌ها را جزء وظایف خود می‌داند. بنابراین باهمسر خود نیز به گونه‌ای ارتباط مثبتی خواهد داشت.

همچنین شواهد نشان می‌دهد کسانی که چالش‌های جدید را می‌پذیرند به‌طور کلی در امور زندگی زناشویی موفق‌تر هستند؛ بنابراین تجربه‌پذیری مایه می‌شود زوج‌ها در حل مشکلات و تعارضاتشان رویکردهای انعطاف‌پذیرتر و فعال‌تری را اتخاذ کنند. تجربه‌پذیری به رضایت جنسی بیشتر در زوج‌ها منجر می‌شود. به‌علاوه ویژگی تجربه‌پذیری مایه افزایش توجه به‌طرف مقابل می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

در پایان با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پژوهش حاضر و پژوهش‌های مرتبط می‌توان این‌گونه بیان کرد که داشتن کودک با مشکلات عمده می‌تواند مایه کاهش عزت‌نفس و افزایش اضطراب و

<sup>۱</sup>. Jarvis

<sup>۲</sup>. Kurdek

<sup>۳</sup>. Hart, Dutton, & Newlove

افسردگی پدرومادر می‌گردد؛ و این مسئله مایه عدم ارتباط مناسب بین زوج‌ها و در نهایت کاهش رضایت زناشویی می‌گردد. علی‌رغم نتایج به‌دست‌آمده روشن است که این بررسی مقطعی بوده و یافته‌های به‌دست‌آمده تنها نمایانگر معنی‌دار بودن آن در میان گروه‌های مورد بررسی است و قابل تعمیم نیست. نمونه این پژوهش مربوط به پدرومادر کودکان دچار درخودماندگی شهر مشهد است که تعمیم آن به پدرومادر سایر کودکان دچار درخودماندگی در شهرهای دیگر و همچنین به سایر کودکان با اختلالات دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. محقق بر خود لازم می‌داند از تمام والدینی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند قدردانی و سپاسگزاری کند.

## منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۲) *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی کودکان استثنایی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹) روان‌شناسی خانواده؛ همسران برتر (چاپ دهم). تهران؛ انجمن اولیا و مربیان.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۲۰۰۰) *متن تجدیدنظر شده چهارمین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی* (چاپ سوم). ترجمه محمدرضا نیک‌خو و همایانگ آواریس یانس (۱۳۸۶). تهران: انتشارات سخن.
- حسینی، زهرا؛ خلقی، زهرا؛ جابری، سمیه؛ صدیقی، اکرم؛ صالحی، وجیهه؛ تفویضی، متین؛ جزایری، رضوان، فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۱۹، ۴، ۱۶۵-۱۷۳.
- حق‌شناس، حسین. (۱۳۸۵). *طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت*. شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی.
- فیض، عبدالله، طاهر نشاط دوست، حمید، نائلی، حسین. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سرسختی شناختی و روش‌های مقابله با تنیدگی. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، شماره ۲۰.
- قدرتی، مهدی. (۱۳۸۸). *بررسی تحلیلی رابطه خلاقیت با رضامندی زناشویی در والدین دانش‌آموزان تیزهوش*.
- کیا مهر، جواد. (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و یادگیری*، تهران.

گروسی فرشی، میر تقی. (۱۳۷۷). هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی NEO و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. رس‌اله دکتری روان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.

نصیحت‌کن، زهرا. (۱۳۸۹). رابطه سازگاری تحصیلی با ویژگی‌های شخصیتی و نگرش مذهبی دانشجویان دختر دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Allen, T., Kandalaf, M., Krawczyk, D., Chapman, S. (2016). Virtual Reality Social Cognition Training for children with high functioning autism. *Computers in Human Behavior*, Volume 62, September 2016, Pages 703-711.
- Boyce, C., Wood, A., Ferguson, E. (2016). or better or for worse: The moderating effects of personality on the marriage-life satisfaction link. *Personality and Individual Differences*, 97, 61-66.
- Chiu, Y., et al. (2014). Determinants of maternal satisfaction with diagnosis disclosure of autism. *Journal of the Formosan Medical Association*, 113, 8, 540-548.
- Dempsey, I., Keen, D., Pennell, D., O'Reilly, J., & Neilands, J. (2014). Parent stress, parenting competence and family-centered support to young children with an intellectual or developmental disability. *Research in Developmental Disabilities*, 30(3), 558-66.
- DOR. Shav, N. K, Horowitz, Z. (2012). Intelligence and Personality variables of parents of Autistic children. *The Journal of Genetic psychology*, 144, 39-50.
- Gau, S., et al. (2012). Parental adjustment, marital relationship, and family function in families of children with autism. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 6, 1, 263-270.
- Gray, DE (2010). High functioning autistic children and the construction of "normal family life". *Journal of Social & Medicine*; 44(8): 1097-106.
- Hobart HM, Smith W (2014). Autism and family in the People's Republic of China: Learning from parents' perspectives. *Research & Practice for Persons with Severe Disabilities*; 33(1-2): 37-47.
- Jarvis, M.O. (2006). The long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. Unpublished Doctoral Dissertation. *University of Texas at Austin*.
- kary, H., rasek, J., kalnan, H. (2014). Health-related quality of life in parents of school-age children with Asperger syndrome or highfunctioning autism. *Health and Quality of Life Outcomes*, 4(1), 1-8



- Kuhlthau, K., et al. (2014). Quality of life for parents of children with autism spectrum disorders. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 8, 10, 1339-1350.
- Lau, W., et al. (2016). Parents on the autism continuum: Links with parenting efficacy. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 26, 57-64
- Faco, D. T., Neal- Beavers, A., Carlason, C. L. (2013). Vicarious Futurity, hope, and well- being in parents of children with Autism spectrum disorder. *Research in Autism spectrum Disorder*, 7 (2), 288- 297.
- Robins, R. W., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2000).Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 251-259.
- Saini, M., et al. (2015). Couple relationships among parents of children and adolescents with Autism Spectrum Disorder: Findings from a scoping review of the literature. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 17, 142-157.
- Shtayermman, O. (2013). Stress and marital satisfaction of parents to children diagnosed with autism. *European Psychiatry*, 28, 1, 1.
- Turnzh AP•Gary HR (2010). *Families, professional and exceptionality: A special partnership*. Columbus: Merrill.
- Wilson, L. C., Rholes, W. S., Simpson, J. A., & Tran, S. (2007). Labor, delivery and early parenthood: An attachment theory perspective. *Personality and Social Psychology Bulletin*.
- Zickar, M. J. (2006). Linking the big five personality constructs to organizational commitment. *Personality and Individual Differences*, 41, 959-970.

